



تظاهرات ۳۰۰ هزار نفره در هلند، علیه سیاست های اقتصادی



صفحه ۴

شکست تاکتیک های طبقه حاکم و رادیکال تر شدن جنبش

در هر بحران سیاسی جدی، به تناسب رشد تضادهای طبقاتی و سطح ارتقاء جنبش مبارزاتی توده های مردم، طبقه حاکم برای مقابله با بحران و مهار کردن مبارزه و اعتراض توده ای، به تاکتیک های متعددی روی می آورد. این تاکتیک ها، به طور کلی در سه مقوله جای می گیرند. یا اساسا تاکتیک سرکوب و اختناق اند، یا تاکتیک رفرم های لیبرالی و وعده اصلاح امور در چارچوب نظم موجود و یا ترفیقی از این دو. کاربرد و اجرای این تاکتیک ها نیز بر عهده احزاب و شخصیت های وابسته به طبقه حاکم است که هر یک در شرایط خاصی می توانند عهده دار یکی از این تاکتیک ها گردند. بسته به شرایط یک کشور، اینان می توانند جریاناتی باشند که تاکنون حاکمیت سیاسی را در دست داشته اند و یا جریاناتی که در اپوزیسیون قرار گرفته اند.

این واقعیت رانه فقط در اواخر دوران رژیم سلطنتی محمد رضا شاه، هنگامی که با یک بحران سیاسی جدی روبرو گردید، بلکه در طول چند سال اخیر، در دوران جمهوری اسلامی نیز دیده ایم.

طبقه حاکم در ایران، از آغاز دهه ۶۰ تا اوائل دهه ۷۰، با سرکوب و اختناق تام و تمام حکومت کرد و هرگونه نارضایتی و اعتراض را بی رحمانه درهم کوبید. اما از آنجا که راه حلی برای تضادهای موجود نداشت بلکه بالعکس با سیاست

در صفحه ۲

بازی با مرگ

کلمبیا خطرناک ترین کشور جهان برای فعالین کارگری است. در اینجا خطر مرگ هر لحظه در کمین فعالین کارگری نشسته است. گروههای شبه نظامی تروریستی وابسته به پلیس و ارتش هر هفته به طور متوسط ۳ نفر از رهبران مبارزات کارگران را هدف گلوله قرار می دهند. آخرین نمونه این جنایات هم ترور سه تن از رهبران شورای سراسری اتحادیه های کارگری کلمبیا، CUT، در شمال این کشور، است. در نخستین ساعات بامداد روز ۵ اوت، محل سکونت این سه تن مورد یورش ماموران امنیتی قرار گرفت و پس از مدت کوتاهی اجساد این سه نفر، در حالیکه گلوله ائی به مغز آنها شلیک شده بود، در گوشه ائی از خیابان اطراف این منزل توسط عابرین پیدا شد. این عمل جنایتکارانه موجی از اعتراض اتحادیه های

در صفحه ۸

نگاهی به وضعیت اوروگوئه در آستانه انتخابات آینده

قرار است روز ۳۱ اکتبر ۲۰۰۴ در اوروگوئه انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری هم زمان انجام گیرد. به همین جهت در این شماره کار سفری به این کشور آمریکای جنوبی می کنیم و نگاهی به گذشته ی نزدیک و حال آن می اندازیم. طبقه سرمایه دار و حامیان امپریالیستش برای مقابله با نیرو های مترقی، چپ و کمونیست اوروگوئه نظامیان را به جلوی صحنه سیاسی راندند و روز ۲۷ ژوئن ۱۹۷۳ دست به کودتا زدند. هدف اصلی کودتا سرکوب

در صفحه ۳

در این شماره

- ۵ دوشنبه ها در آلمان
- ۶ وضعیت زنان عراقی پس از حمله نظامی امپریالیست ها
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان
- ۷

از سایت جدید سازمان دیدن کنید. <http://www.fedaiian-minority.org>



سازمان فدائیان (اقلیت)

به صفحه سازمان فدائیان (اقلیت) خوش آمدید

سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیست است که برای سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری یک جامعه کمونیستی مبارزه می کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) برای ایجاد جامعه ای بدون طبقات مبارزه می کند که در آن هر گروه استثمار، ستیز، تبعیض، نابرابری اجتماعی و اختناق برانداخته باشند، تمام اعضا آزاد و برابر جامعه در رفاه و خوشبختی زندگی کنند و استبدادها ی خود را شکست دهند.

هدف قوت سازمان فدائیان (اقلیت) سرنگونی جمهوری استبدادی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است.

حکومت شورایی که مظهر بیگربین و کامل ترین شکل دموکراسی است، وسیع ترین و کامل ترین آزادی های سیاسی را برقرار خواهد ساخت و با تحقق مطالبات دموکراتیک و رفاهی - اجتماعی عمومی، دگرگونی های سوسیالیستی را آغاز خواهد نمود.

بنده نادر سوسیالیسم

Other Languages

- صفحه اول
- درباره ما
- اطلاعیه ها
- حکومت شورایی
- انگریزی
- زبان
- روز کار ما
- برنامه
- انتشارات سازمان
- ترجمه سازمان
- به زبان های مختلف سازمان
- تماس
- پیوندها

تراف دموکراسی شورایی
مقدمه اکتبر ۲۰۰۲ - شماره ۱۹ یا ۲۰ به
رکت ایران مرکزی
بررسی استرالی - مذهب و بیان
از جنبش انجمن صین در جامعه
کمر سودا انترناسیونال



شکست تاکتیک های

طبقه حاکم و ...

های ارتجاعی و سرکوبگرانه خود آنها را تشدید نمود، بار دیگر مبارزه و اعتراض توده ها وسعت گرفت و در اواسط دهه ۷۰ رژیم، با یک بحران سیاسی جدی روبرو گردید. وقوع این بحران بدان معنا بود که سیاست های گذشته طبقه حاکم با شکست روبرو شده است و در شرایط جدید فاقد هر گونه کارائی ست. در همین مقطع است که گروه دیگری از نمایندگان سیاسی طبقه حاکم، با تاکتیک های جدید که تلفیقی از تاکتیک فرم و سرکوب بود، برای مهار بحران و جنبش توده ای در حال اعتلاء دست به کار شدند. ماحصل این تلاش، ماجرای دوم خرداد و آغاز دوره زمامداری جناح موسوم به اصلاح طلبان حکومتی گردید که وعده اصلاحات سیاسی را به مردم می دادند و مدعی بهبود اوضاع در چارچوب نظم موجود بودند.

اینان می کوشیدند آزادی بسیار محدودی به مردم بدهند و در برخی ارگان ها و نهادهای حکومتی اصلاحات جزئی معمول دارند. در عین حال، در هر کجا که مردم خواستند با ابتکار و مبارزه خود، برای تحقق خواست هایشان تلاش کنند و خطوط ممنوعه رژیم و "اصلاح طلبان" را درهم بشکنند، به خشن ترین سرکوب ها متوسل شدند. نمونه بارز آن، پس از به قدرت رسیدن خامنه‌ی، سرکوب جنبش دانشجویی در تیر ۷۸ بود.

این تاکتیک هیئت حاکمه نیز با شکست روبرو گردید، چرا که اولاً مطالبات توده مردم، بسی فراتر از آن چیزی بود که "اصلاح طلبان" وعده اش را می دادند. از این رو با هر پیشروی توده مردم، آنها عقب نشینی کردند و ناگزیر حتا از ادعاهای خود در مورد آزادی و دموکراسی و اصلاحات دست برداشتند. ثانیاً- ماهیت و خصلت مذهبی رژیم سیاسی حاکم امکان اصلاحات ناچیز را هم به آنها نمی داد.

با آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت این تاکتیک بر توده های وسیع مردم و برملا شدن شکست آن، مبارزات توده مردم که کلیت رژیم را هدف قرار می داد، اعتلاء وسعت گرفت. در همین مقطع، یک رشته تحولات سیاسی در منطقه خاور میانه نیز رخ داد. امپریالیسم آمریکا با شعار استقرار دموکراسی در خاور میانه، در پی اجرای برنامه های اقتصادی و سیاسی خود برآمده بود. در این شرایط، طرفداران تاکتیک لیبرال، با شعار رفرا ندوم و مجلس مؤسسان و ادعای برقراری یک دموکراسی پارلمانی وارد صحنه شدند. شکست این تاکتیک و احزاب و گروه های سیاسی طرفدار آن از همان آغاز آشکار بود. تاریخ یک قرن گذشته ایران به وضوح نشان داده است که در ایران، جانی برای تغییرات سیاسی به شکلی مسالمت آمیز و از طریق چنین تاکتیک ها و شعارهایی وجود ندارد. یا دیکتاتوری های عربی حاکمیت داشته اند و یا توده مردم به سرنگونی قهرآمیز و انقلاب روی آورده اند.

این تاکتیک و شعارها در آن کشورهایی کاربرد دارند که دموکراسی های پارلمانی حاکم است. در کشوری نظیر ایران این تاکتیک در حالی می تواند، لاقلاً برای احزاب اپوزیسیون بورژوازی کارکردی داشته باشد که عملاً رژیم استبدادی سرنگون شده باشد و یا دیگر مطلقاً قادر به کنترل اوضاع سیاسی جامعه نباشد.

بنابراین روشن است که چرا این تاکتیک احزاب اپوزیسیون بورژوازی نیز نمی توانست نتیجه ای برای آنها در پی داشته باشد. علاوه بر این، در مدتی کوتاه پس از اشغال نظامی عراق توسط امپریالیسم آمریکا و متحدین آن، چرخشی در اوضاع سیاسی منطقه به زیان این تاکتیک صورت گرفت. بن بست سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا در عراق، یک شکست سیاسی برای دولت آمریکا بود. این شکست، پروژه سیاسی و نظامی آمریکا را در منطقه خاور میانه تحت تاثیر قرارداد و منجر به وضعیت سیاسی جدیدی گردید.

جناح مسلط جمهوری اسلامی، تلاش نمود از این اوضاع به نفع خود استفاده کند و با غلبه بر تضادهای درونی هیئت حاکمه و تابع نمودن کامل جناح رقیب، بر بحران درون حکومت فائق آید و با تشدید سرکوب و اختناق به مقابله با بحران سیاسی بپردازد. جمهوری اسلامی، اکنون برای پیشبرد سیاست های خود در این مرحله، از یک سو اختناق و سرکوب را تشدید نموده و در تلاش است بدین طریق، جنبش اعتراضی توده های کارگر و زحمتکش را درهم بشکند و از سوی دیگر امیدوار است که با افزایش درآمدهای حاصل از نفت، بتواند وضعیت اقتصادی و مالی خود را بهبود بخشد و احتمالاً با کاستن از درجه فشار مادی بر توده های زحمتکش، از ناراضیاتی آنها بکاهد. اما این سیاست رژیم نیز ولواین که در مدت زمانی کوتاه بتواند افضی در مبارزات توده ای گسترده پدید آورد، قادر نخواهد بود بحران سیاسی موجود را مهار کند و منجر به تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی گردد. دوران سیاست سرکوب، برای مرعوب ساختن توده های مردم و بدین طریق درهم شکستن جنبش اعتراضی توده ای علیه رژیم، مذهب است که به پایان رسیده و رژیم قادر نیست، اوضاع سیاسی جامعه ایران را به دهه ۶۰ برگرداند. افزایش درآمدهای حاصل از نفت نیز نه فی نفسه می تواند منجر به بهبود جدی در وضعیت اقتصادی کشور شود و نه بهبود ولو اندک جدی در وضعیت معیشتی توده های کارگر و زحمتکش پدید آورد. افزایش درآمد نفت قبل از هر چیز در خدمت ماشین نظامی و سرکوب رژیم قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، جهش کنونی بهای نفت که در مدتی کوتاه به حدود سه برابر افزایش یافته است، پایدار نیست و با همین جهش نیز می تواند به عقب باز گردد.

تضادهای درونی جامعه ایران به مرحله ای رشد کرده اند که هیچیک از سیاست ها و تاکتیک های طبقه حاکم و دستجاتی که قدرت سیاسی را در اختیار دارند، قادر به حل و حنا تخفیف جدی آنها نیست. سرکوب و فشار کنونی، اعتراضات وسیع تر و گسترده تری را در پی خواهد داشت. جنبش توده های کارگر و زحمتکش، بیش از هر زمان دیگر با مطالبات رادیکال تر به مقابله با رژیم حاکم بر خواهد خاست. تجربه چند سال گذشته به توده های مردم آموخت که هرگونه راه حل بینابینی، هرگونه انتظار برای تحول اوضاع از درون رژیم، هرگونه توهم به نیروی نجات بخشی از بالا و از بیرون، سرابی بیش نیست. توده های کارگر و زحمتکش باید با دست های توانای خود، قدرت های حاکم را از اریکه قدرت به زیر بکشند و با استقرار یک نظام شورائی، حاکمیت و سرنوشته خویش را در دست بگیرند.

اخباری از ایران

اجتماع اعتراضی کارگران "زرچین بافت"

روز چهارم مهر به دنبال اخراج دستجمعی ۳۵ کارگر شرکت تولیدی زرچین بافت واقع در شهر صنعتی ایلام، ۱۵۰ کارگر این شرکت دست به اعتراض زده و با تجمع در محل خانه کارگر ایلام، خواستار بازگشت به کار کلیه اخراجی ها شدند. کارگران اخراجی که بین ۳ ماه تا ۱۰ سال سابقه کار دارند، قبلاً هم اخراج شده بودند اما در اثر اعتراض و پیگیری کارگران، توانسته بودند به سر کارهای خود باز گردند، اکنون مدیریت دوباره آنها را اخراج و کارگران جدیدی جایگزین آنها نموده است.

اعتراض کارگران شهرداری

صبح روز چهارشنبه هشتم مهر، شمار زیادی از کارگران شهرداری نیشابور دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر شهرداری، نسبت به شرایط کاری خود و اجبار به امضای قراردادهای سفید با پیمان کاران بار دیگر به ابراز ناراضیاتی و اعتراض پرداختند. کارگران تاکید کردند که با هیچ پیمانکاری قرارداد امضا نخواهند کرد.

تجمع کارگران نساجی کردستان

در اعتراض به عملی نشدن وعده های مسئولین کارخانه، روز چهارشنبه اول مهر، کارگران نساجی کردستان به مدت چند ساعت در برابر دراصلی کارخانه دست به تحصن و تجمع زدند. در پی این تجمع اعتراضی، به کارگران قول داده شد که به خواست آنان تا چند روز دیگر رسیدگی خواهد شد.

تجمع اعتراضی کارگران شاهو

کارخانه نساجی "شاهو" واقع در شهرک صنعتی "بهشت محمدی" سنندج، پس از واگذاری به بخش خصوصی تعطیل و ۱۵۰ کارگر آن از کار بیکار شدند. بهانه صاحب جدید کارخانه، بدهی کارخانه و عدم توانایی پرداخت بدهی هاست. کارگران نسبت به این مسئله اعتراض نموده و با تجمع در برابر اداره کل کار سنندج، خواستار بازگشت به کار شدند.

اعتصاب در پاکریس

بنا به مصوبه "کمیته بحران صنایع نساجی" ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت نساجی پاکریس سمنان اخراج شدند. تصمیم کمیته، ابتدا اخراج شمار بیشتری از کارگران بود که به خاطر اعتراضات کارگران، فعلاً به این تعداد اکتفا شده است. ۵۴۰ کارگر این شرکت در اعتراض به اخراج همکاران خود و نداشتن ضمانت شغلی، دست از کار کشیدند. کارگران خواهان ضمانت شغلی و بازگشت به

اخباری از ایران

کار کارگران اخراجی شدند.

اعتراض کارگران "فن ژنراتور"

کارفرمای کارخانه "فن ژنراتور" واقع در خراسان، از پرداخت حق سنوات کارگران خودداری می کند. در حالی که حق سنوات کارگران باید از ۱۰ سال پیش محاسبه و پرداخت شود و این موضوع از نظر وزارت کار نیز محرز شده است، اما کارفرما از پذیرش آن امتناع و حق سنوات تنها بابت یک سال را پذیرفته است. کارگران نسبت به این موضوع شدیداً اعتراض دارند و خواستار احقاق حقوق خود می باشند.

اجتماع اعتراضی کارکنان بیمارستان

روز شنبه یازدهم مهر، کارکنان بیمارستان "راضیه فیروز" کرمان، در اعتراض به عقب افتادن ۴ ماه حقوق خود، در برابر بیمارستان دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان خواهان پرداخت حقوق های عقب افتاده خود شدند. از دیگر مطالبات پرسنل بیمارستان، پرداخت تفاوت طرح طبقه بندی مشاغل از سال ۷۵ به بعد، حق شیفت، اضافه کاری و تامین لباس کار می باشد.

نامه اعتراضی

۱۰۶ کارگر شرکت "زرساب"، تولید کنندۀ ظروف تفلون واقع در جاده ساوه، با ارسال یک نامه اعتراضی، نسبت به شرایط کاری خود، اعتراض نمودند و خواستار پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. از دیگر مطالبات کارگران، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و بین کارگری می باشد.

سرمایه، باز هم قربانی گرفت

در چند هفته اخیر نیز، شمار دیگری از کارگران در حین انجام کار جان خود را از دست داده و یا به سختی مجروح و مصدوم شدند.

- نعمت الله شکاری کارگر ۵۹ ساله کارخانه سیمان شمال سپید دماوند با ۲۷ سال سابقه کار در حرفه تراشکاری صبح روز شنبه ۱۱ مهر، هنگام کار به وسیله دستگاه تراش بلعبیده و جسم وی متلاشی شد. طبق ضوابط بازنشستگی کارگران شرکت های مشمول طرح نوسازی و بازسازی، نعمت الله شکاری باید بعد از ۲۵ سال کار، با استفاده از مزایای قانونی

در صفحه ۵

کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو

نگاهی به وضعیت اوروگوئه در آستانه انتخابات آینده

جنبش های اجتماعی و توپاماروس ها بود که پس از بنیان گذاری در سال ۱۹۶۲ از اوایل دهه ۷۰ میلادی به جنبش چریک شهری دامن زده و از حمایت مردمی و تشکلات چپ برخوردار شده بودند. چریک های توپاماروس که نام خود را از رهبر شورشیان اینکا، توپاک آمارو گرفته بودند با اقدامات پلیس و ارتش سرکوب گشتند.

اوروگوئه از سال ۱۹۶۶ وارد بحران های عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شد. هیئت حاکمه تصمیم گرفت تا به اصطلاح با ترمیم قانون اساسی بحران ها را تعدیل کند. قانون اساسی در سال ۱۹۶۷ اصلاحاتی را به خود دید که با استقبال توده های مردم روبه رو نشد. شش سال بعد اوضاع وخیم تر گردید. در این هنگام نظامیان با بستن پارلمان کودتا کردند و ضمن سرکوب اعتراضات توده ای و جنبش چریکی توپاماروس ها، قانون اساسی جدیدی تدوین نمودند. سرانجام نظامیان حاکم تصمیم گرفتند در نوامبر ۱۹۸۰ قانون اساسی را به همه پرسی بگذارند که در آن شکست خوردند. در این زمان آنان وادار شدند حکومت را ترک کرده و با برگزاری انتخابات در سال ۱۹۸۴ قدرت را به رهبر حزب کلورادو که خولیو ماریا سانگینی نام داشت تحویل دهند. این شخص از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور بود و سپس لوئیس آلبرتو لاکایه از حزب ملی جایگزینش شد. در دوران پنج ساله ریاست جمهوری لاکایه اوروگوئه وارد پیمان مرکوسور، یک بازار اقتصادی آمریکای جنوبی گردید. خولیو ماریا سانگینی بار دیگر در سال ۱۹۹۵ رئیس جمهور شد و سپس در مارس ۲۰۰۰ جای خود را به خورخه باتیه داد.

اوروگوئه با تقریباً ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۳ / ۵ میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۰۲ پانصد و بیست میلیون دلار کسری بودجه داشت. در سه ماهه اول سال ۲۰۰۳ و پس از چهار سال رکود پی در پی، تولید ناخالص داخلی باز هم ۹٪ سقوط کرد و میزان بیکاری به ۱۸٪ جمعیت فعال کشور رسید. تنها از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ قدرت خرید کارگران و زحمتکشان ۱۶٪ کاهش یافت و در این سال ۲۶٪ مردم شهرتشین اوروگوئه در فقر بودند. قروض خارجی اوروگوئه در سال ۲۰۰۳ بیش از ۴ میلیارد دلار بود و میزان رشد اقتصادی آن از ۱٪ بیش تر نشد.

اوروگوئه اقتصادی وابسته به سرمایه داری جهانی دارد و این وابستگی به دو کشور همسایه اش، یعنی آرژانتین و برزیل بسیار برجسته است. بی جهت نیست که بحران اقتصادی زمستان ۲۰۰۲ که «فاجعه بارترین بحران تاریخ کشور» نام گرفت ریشه در بحران ۱۹۹۹ و فروپاشی اقتصادی آرژانتین داشت. بر همین اساس است که بر طبق «برنامه سازمان ملل متحد برای توسعه» اوروگوئه، این «سونیس قاره آمریکا»، از مکان بیست و نهم در نیمه اول دهه ۹۰ به چهل و ششمین کشور جهان تنزل پیدا کرده است. دولت های دست راستی گوناگون که پس از حکومت ۲۲ ساله نظامیان بر سر کار آمدند همواره بر این وابستگی افزوده و بر خلاف نظر اکثریت خردکننده مردم، دستورات و رهنمودهای نهادهای بین المللی سرمایه داری را عملی نمودند. برای مثال صندوق بین المللی پول به نام تعدیل و بازسازی اقتصادی از دولت خواست تا به خصوصی سازی صنعت نفت بپردازد، اما مردم اوروگوئه در همه پرسی ۷ دسامبر گذشته به این طرح رأی منفی دادند. دیگر برنامه های تحمیلی صندوق بین المللی پول که به همه پرسی گذاشته نمی شود با یک رشته مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان مواجه می گردد. اتحادیه واحد مرکزی اوروگوئه در اوت ۲۰۰۳ علیه برنامه های صندوق بین المللی پول به یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته فراخوان داد که با حمایت گسترده کارگران روبه رو شد. پرستاران و دیگر زحمتکشان بخش بهداشت

چندین بیمارستان را اشغال نموده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. اتحادیه های کارگری مخالفت قاطع خود را با خصوصی سازی ها و از جمله خصوصی سازی فرودگاه بین المللی مونته ویدئو، که قرار بود به دست یک کنسرسیوم آرژانتینی بیافتد، اعلام کرده و از آن جلوگیری نمودند. یک پروژه دیگر خصوصی سازی دولت سرمایه داران نیز با مخالفت گسترده کارگران و زحمتکشان اوروگوئه شکست خورد و انجام نشد. دولت قصد داشت سفره آب زیرزمینی گورانی را خصوصی سازی کند. این سفره ۱ میلیون و ۹۰ هزار کیلومتر مربع وسعت داشته، جزو سه سفره بزرگ آب زیرزمینی جهان است، بخشی از آن در اوروگوئه و بخش های دیگرش در برزیل، آرژانتین و پاراگوئه قرار دارد. در زمینه منابع آب قرار است روز ۳۱ اکتبر، همزمان با انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در اوروگوئه، یک نظرخواهی صورت بگیرد و از ۲ میلیون نفری که واجد حق رأی هستند خواسته شده تا به منابع آب به عنوان یک دارایی عمومی ضمانت شده در قانون اساسی رأی بدهند.

پس از حکومت ۲۲ ساله نظامیان در اوروگوئه دو حزب جناح راست بورژوازی که حزب کلورادو و حزب ملی نام دارند متتوباً قدرت را دست به دست کرده اند. در آستانه انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری ۳۱ اکتبر ۲۰۰۴ بیش از پیش سخن از پیروزی Frente Amplio می رود. اما Frente Amplio چه تشکیلاتی است و رهبران آن چه می گویند؟

Frente Amplio یا «جبهه گسترده» در سال ۱۹۷۱ از ائتلاف برخی از نیروهایی که خود را کمونیست می نامیدند و سوسیال - دمکرات ها و مسیحیان اجتماعی تشکیل شد. پس از کودتای ۱۹۷۳ جبهه گسترده هم مانند چپ انقلابی اوروگوئه با سرکوب روبه رو شد. ده سال پیش تشکل دیگری به نام Encuentro Progressista یا «دیدار مترقی» به Frente Amplio پیوست. دیدار مترقی شامل کسانی است که خود را سانتزیست می نامند و سابقاً در احزاب دیگری بودند. هم اکنون نام کامل Frente Amplio به اختصار FA - EP می باشد که دربرگیرنده دو تشکل مذکور است. FA - EP یک پزشک سوسیال - دمکرات ۶۴ ساله به نام تاباره واسکز را برای سومین بار نامزد ریاست جمهوری کرده است.

در ماه مه ۲۰۰۲ و هنگامی که مردم سپرده هایشان را از حساب ها بیرون می کشیدند چند رهبر FA - EP از جمله تاباره واسکز نگرانی خود را از «بی اعتباری نظام سیاسی نزد شهروندان» اعلام کردند و یک سناتور به نام خوزه موخیکا، از اعضای سابق توپاماروس ها گفت که از یک «خلاء حکومتی» می هراسد. روز ۳ اوت همان سال گرسنگان وادار به بورش به چند سوپرمارکت شدند و نیروهای پلیس ده ها تن را دستگیر و روانه زندان نمودند. نیروهای پلیس از زمین و هوا تمام محلات فقیرنشین مونته ویدئو، پایتخت اوروگوئه که نیمی از جمعیت کشور را در خود جای داده، شدیداً کنترل کرده و خود را برای هر گونه سرکوبی آماده نمودند، در این هنگام دفتر سیاسی FA - EP اطلاعیه ای صادر کرد و در آن «هر گونه تظاهرات خشونت آمیز و بز هکارانه» را مردود اعلام نمود و نوشت که هجوم مردم گرسنه به مغازه ها «هدفش تهییج برای سرکوب» است. البته تاباره واسکز در ژوئیه ۲۰۰۲ گفته بود: «یک تظاهرات منظم بسیار سونمندتر از یک انفجار اجتماعی است.» تاباره واسکز روز ۲۷ ژوئن گذشته اعلام کرد که در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری انریکه ایگلسیاس را به وزارت امور اقتصادی برخوادد. گزید، شخصی که رئیس بانک بین قاره ای آمریکا برای

اخبار کارگری جهان

اعتصاب کارگران هتل در آمریکا

آخرین روزهای ماه سپتامبر، شاهد اوج گیری مبارزات کارگران یکرشته از هتل های شهر سانفرانسیسکو بود. اواسط ماه اوت، قراردادهای دسته جمعی بیش از ۸ هزار کارگر هتل خاتمه یافت و مذاکرات مربوط به تجدید این قراردادها با تاخیرهای متوالی و با کارشکنیهای متعدد صاحبان این هتل ها، سرانجام اوایل ماه سپتامبر آغاز شد. مطالبات کارگران در این دور، افزایش دستمزدها به میزان ۸ درصد، عدم افزایش سهم کارگران از بیمه های درمانی و بالاخره تعیین مدت قراردادهای دسته جمعی به ۲ سال است. نمایندگان کارفرما که با تمام این موارد مخالفت کرده بودند با قطعی شدن به بن بست رسیدن این مذاکرات و احتمال اعتصاب کارگران، دست به نصیحت و در واقع تهدید کارگران زدند و از آنان خواستند که صنعت نیمه جان تورسم در این کشور را بیش از این تحت فشار قرار ندهند و در فکر برپائی اعتصاب نباشند. برغم تمام موعظه های صاحبان هتلها، بیش از ۱۴۰۰ نفر از کارگران ۴ هتل بزرگ شهر سانفرانسیسکو دست به یک اعتصاب ۲ هفته ای زدند. اعتصابیون هر روزه در مقابل این هتلها تجمع کرده و از مسافران می خواهند که از اقامت در این هتلها صرف نظر کنند. تنها ۳ روز پس از آغاز این اعتصاب، صاحبان این هتلها اعلام نمودند که اعتصاب در این ۴ هتل را، اعتصاب در تمام ۱۴ هتل این گروه دانسته و در صورت ادامه اعتصاب در این ۴ هتل، تمامی کارگران در ۱۰ هتل دیگر را اخراج می کنند. بر خلاف تصورات سرمایه داران، با اعلام این خبر خشم و عزم کارگران برای ادامه اعتصاب تا پیروزی کامل دوچندان شد. اکنون بیش از ۸ هزار کارگر هتل در شهر سانفرانسیسکو چشم به انتظار نتیجه مبارزات اعتصابیون اند که بدون شک راهگشای مبارزات کارگران در دیگر هتلها خواهد بود. همزمان با این اعتصاب، در ایالت نیو جرسی نیز بیش از ۱۰ هزار کارگر کازینوها برای افزایش دستمزدها و عدم افزایش سهم کارگران از بیمه های درمانی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند.

اعتصاب کارگران چای کار در هند

شرایط کار بیش از یک میلیون کارگر مزارع چای در منطقه آسام هند بسیار است. ساعات کار بعضا تا ۱۵ ساعت و فقدان آب آشامیدنی تصفیه شده در این مزارع سلامت کارگران را به خطر انداخته است. تنها در ۳ ماه گذشته، بیش از ۶۰۰ کارگر چای کار در اثر ابتلا به بیماری های گوارشی و مالاریا جان خود را از دست دادند. در اعتراض به این شرایط تمامی چای کاران این منطقه در بیش از ۸۰۰ مرکز کشت چای دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. برای مقابله با اعتصاب و اعتراض کارگران، صاحبان یکرشته از مزارع کشت چای با تشکیل گروههایی از

اوباش تلاش نمودند که کارگران را با تهدید و ارعاب از برپائی این اعتصاب منصرف کنند. با پخش این خبر، هزاران کارگر اعتصابی از مناطق همسایه به یاری هم زنجیران خود شتافته و با تشکیل "گارد های مسلح کارگری" دفاع از اعتصابیون را به عهده گرفتند و دسته های اوباش وابسته به صاحبان مزارع دیگر جرات نکردند مجددا در این مناطق آفتابی شوند.

اعتصاب کارگران در انگلستان

روز ۲۷ سپتامبر، تمامی کارگران خدمات روی زمین در دومین فرودگاه بین المللی انگلستان Gatwick دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این حرکت در اعتراض به شرایط سخت کار و پائین بودن دستمزدها انجام گرفت. با آغاز این اعتصاب، هزاران مسافر در صفهای طولانی به انتظار انجام امور مربوط به مسافرت خود شده و تمام تلاش مدیریت برای خاتمه دادن به این اعتصاب بی نتیجه ماند. کارگران هشدار دادند که در صورت ادامه اوضاع به روال سابق، روزهای ۶ و ۸ اکتبر مجددا دست به اعتصاب می زنند.

اعتصابات کارگران در آفریقای جنوبی

روز ۳۰ سپتامبر، بیش از ۲۳ هزار نفر معدنچی معادن پلاتین Impala آفریقای جنوبی دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. شرایط سخت و طاقت فرسای کار، بی اعتنائی کارفرما به ایمنی محیط کار کارگران و پائین بودن دستمزدها دلایل این اعتصاب کارگران بود. در همان ساعات آغاز این اعتصاب، زمانیکه آخرین گروه از معدنچیان کارهای خود در اعماق زمین را پایان داده و قصد پیوستن به اعتصابیون را داشتند، ۹ نفر از کارگران در اثر حریق ناشی از انفجار یک مخزن گاز در عمق ۲۰۰ متری زمین کشته شده و با ریزش دیواره معدن، در همانجا مدفون شدند. این حادثه دلخراش آتش خشم را در صفوف اعتصابیون بیش از پیش شعله ور ساخت. در همین حال با به بن بست رسیدن مذاکرات نمایندگان کارگران و صاحبان معادن پلاتین Amplats بیش از ۱۷ هزار معدنچی نیز در این منطقه دست به اعتصاب زدند. در اینجا نیز خواست اعتصابیون بهبود شرایط ایمنی کار و افزایش دستمزدها است. با گسترش روزافزون مبارزات کارگران دولت آفریقای جنوبی سیاست فشار و تصبیق خود بر اتحادیه های کارگری را گسترش داده و تلاش دارد که اعتراضات کارگران را به ارزان ترین قیمت ممکن و به نفع کارفرما پایان دهد. روز ۵ اکتبر تمامی ۳ هزار کارگر کارخانه ماشین سازی Defy همزمان در ۳ شهر مختلف دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. فلزکاران از دستمزدهای پائین و مخالفت طولانی مدت کارفرما با پرداخت هر گونه هزینه رفاهی ناراضی بوده و تمامی تلاشهای نمایندگان کارگران در پشت میز مذاکره برای متقاعد ساختن نمایندگان کارفرما با شکست روبرو شده است. نتیجه اینکه تحقق مطالبات کارگران تنها از

تظاهرات ۳۰۰ هزار نفره در هلند علیه سیاست های اقتصادی

روز شنبه دوم اکتبر به دعوت اتحادیه های کارگری، احزاب اپوزیسیون، سازمانها و گروههای سیاسی، تظاهراتی با شرکت قریب به ۳۰۰ هزار نفر در آمستردام برگزار گردید. گستردگی و وسعت این تظاهرات طی سه دهه گذشته در هلند بی سابقه بوده است.

از ساعات آغازین صبح، اعضاء اتحادیه های کارگری هلند با اتوبوس و قطار از اقصا نقاط هلند راهی پایتخت شدند. در نیمروز، همزمان با شروع تجمع و میتینگ، تعداد شرکت کنندگان بدان حد بود که تجمع آنها در یک نقطه ناممکن بود و از همین رو سخنرانی نمایندگان احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری از طریق تلویزیون در نقاط مهم شهر بخش می شد.

این تظاهرات در اعتراض به یک رشته سیاست های اقتصادی است که دولت ائتلافی لیبرال- مسیخی در دستور کار خود قرار داده است. انجماد دستمزدها به مدت سه سال، افزایش مالیات، کاهش سوبسید خانه، کاهش خدمات درمانی، کاهش هزینه های تحصیلی و ... از جمله مواردی است که زندگی میلیون ها هلندی را مورد حمله قرار داده است.

طریق مبارزه مستقیم و اعتصاب ممکن است. با این اعتصاب کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۲٪ شدند، اما مدیریت این کارخانه اعلام نمود که دستمزدها حداکثر ۷٪ افزایش خواهند یافت و نه بیشتر. اعتصابیون اعلام نمودند که در ۱۰ سال گذشته حقوق مدیران دائما افزایش یافته است، در همین حال صاحبان این مجتمع صنعتی با تمام توان و به بهانه وخامت اوضاع اقتصادی با هرگونه افزایش دستمزدهای کارگران مخالفت کردند. به همین دلیل این بار کارگران مصممند تا پیروزی خود به این اعتصاب ادامه دهند.

اعتصاب سراسری ۴ روزه در نیجریه

از روز شنبه ۹ اکتبر، در اعتراض به افزایش بهای نفت و مشتقات نفتی در نیجریه، به دعوت "کنگره کارگری نیجریه" یک اعتصاب سراسری ۴ روزه فراخوانده شد. نیجریه که بزرگترین کشور صادر کننده نفت در آفریقا است، طی ۱۸ ماه گذشته سه بار قیمت نفت و کالاهای فرآورده نفتی را افزایش داده است.

علاوه بر اعتصاب عمومی در نیجریه، طی روزهای اول ماه اکتبر، حملاتی به تاسیسات نفتی این کشور صورت گرفته و گروهی که مسئولیت این حملات را به عهده گرفته، خواهان خروج شرکت های خارجی از این کشور شده اند.

اخباری از ایران

بازنشسته می شد. اما سازمان تامین اجتماعی این را نپذیرفته و کارگر یاد شده به امید استفاده از مزایای بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور همچنان به کار مشغول بود که جان خود را از دست داد. خبرگزاری کار ایران ایلنا می نویسد، در دو ماه گذشته، دو حادثه در این کارخانه منجر به مرگ کارگران شده است. همین خبرگزاری می نویسد، در کارخانه سیمان دماند از سال ۷۴ تا کنون ۶ مورد سانحه، منجر به فوت کارگران شده است.

در کرمان کارگری به نام رسول حسینی هنگام کار، به دلیل سقوط تیر آهن دچار سانحه شد و جان خود را از دست داد.

بعد از ظهر روز جمعه سوم مهر ماه، یکی از کارگران خط تولید مونتاز یک ایران خود رو، به نشانه اعتراض به اضافه کاری اجباری، اقدام به خودکشی کرد. بنا به تصمیم مدیریت، کارگران اجبارا باید تمام روزهای تعطیل رسمی از جمله روزهای جمعه را نیز اضافه کاری کنند.

اخراج و بیکارسازی کارگران

شرکت "مجد" تولید کننده فرآورده های پروتئینی و کالیاس در خراسان، به بهانه رکود بازار، تعطیل شد. این شرکت از سال گذشته به تدریج کارگران را اخراج نمود و ۷۵ کارگر باقیمانده را که همگی رسمی بودند اجبارا باز خرید کرد.

کارخانه نختاب فیروزان تبریز در رابطه با طرح نوسازی و بازسازی صنایع از مهر ماه ۸۲ تعطیل و کارگران آن به مدت یک سال به بیمه بیکاری معرفی شدند. از آنجا که کارخانه طی یک سال نتوانسته است این طرح را اجرا کند، کارگران همچنان بیکارند و این مهلت به مدت ۹ ماه دیگر نیز تمدید شده است.

روز چهارشنبه اول مهر، ۱۲۵ نفر از کارگران سد گاوشان از بخش های خاک ریزی و بتن، اخراج شدند. در تیر ماه سال جاری نیز ۴۲ کارگر این سد اخراج شده بودند که بدین ترتیب مجموعا ۱۶۷ کارگر بدون دریافت هیچگونه حقوق و مزایایی به صف بیکاران اضافه شد.

صاحبان کارخانه "چینی هیس" در ابهر، با اعلام ورشکستگی، این کارخانه را تعطیل و ۵۰۰ کارگر آن را که ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند از کار بیکار نمودند.

در جریان واگذاری شرکت "خودرولنت" خراسان به بخش خصوصی، ۲۰۰ کارگر کار خود را از دست دادند، نیمی از این کارگران که قراردادی هستند، قراردادهاشان فسخ شده است و مابقی اجبارا باز خرید شده اند. لازم به ذکر است که قراردادی بودن کارگران یکی از شروط خرید شرکت توسط خریداران آن بوده است.

به بهانه "نوسازی و بازسازی"، ۶۰۰ کارگر کارخانه "نقش ایران" اخراج شدند. از این تعداد، ۴۰۰ کارگر به بیمه بیکاری معرفی شده اند و بقیه به عنوان نیروی مازاد شناخته شده و حتا از حق دریافت بیمه بیکاری نیز محرومند.

از اوائل مهرماه، تولید پودر شوینده متوقف شده

است. دبیر انجمن تولید کننده پودر شوینده در گفتگو با ایلنا گفت، با توقف تولید در این رشته، ۱۰ هزار کارگر بیکار شده اند.

مدیریت شرکت "جاده ابریشم" با تحت فشار قراردادن کارگران از جمله حذف حق نهارکارگران به بهانه کاهش هزینه ها، درصدد تعدیل نیروی کار این کارخانه است. ۲۰۰ کارگر این شرکت، هم اکنون در معرض اخراج قرار دارند.

اعتراضات معلمان

در هفته اول مهر ماه، معلمان حق التدریسی بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر مجلس خواستار تحقق مطالبات خود شدند. تجمع اعتراضی معلمان در روز پنجم مهرماه، با راهپیمایی و سر دادن شعارهایی همراه بود که به مسدود شدن خیابان "امام خمینی" انجامید. نیروهای انتظامی و سرکوب برای جلوگیری از گسترش این اقدام اعتراضی، خیابان های اطراف را مسدود کردند و تجمع کنندگان را پراکنده ساختند. بعد از یک رشته اعتراضات مکرر این دسته از معلمان، ظاهرا دولت در صدد استفاده حدود ۴۰ هزار تن از معلمان حق التدریسی با سه سال مستمر سابقه کار برآمده است.

روز جمعه سوم مهر ماه، عده ای از نمایندگان کانون های صنفی معلمان شهرهای سنندج، سقز، کامیاران و دیواندره، در محوطه سازمان آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. این درحالی بود که مجوز تشکیل این تجمع در آخرین لحظات روز قبل، از سوی فرمانداری لغو شده بود. مامورین وزارت اطلاعات و لباس شخصی ها، چهارچشمی مراقب تجمع کنندگان بودند و آنها را متفرق ساختند.

روز سه شنبه ۱۴ مهر، همزمان با روز جهانی معلم، معلمان در سراسر کشور دست به اعتصاب و گردهم آئی زدند و با تجمع در ادارات آموزش و پرورش در شهرهای مختلف بار دیگر خواستار تحقق مطالبات خود شدند.

اعتراضات دانشجویی

روز چهارشنبه هشتم مهر، حدود ۵۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه گیلان، با تجمع در محوطه دانشگاه، دست به اعتراض زدند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. در ادامه این اقدام اعتراضی، روز سه شنبه ۱۴ مهر نیز حدود ۲۰۰۰ تن از دانشجویان این دانشگاه مجددا دست به تجمع و تحصن زدند و با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه، خواستار تحقق مطالبات خود شدند. یکی از خواست های دانشجویان برکناری رئیس دانشگاه است. مسئولین دانشگاه وعده دادند به مطالبات دانشجویان رسیدگی کنند.

بیش از ۷۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم سبزوار، در اعتراض به وضعیت آموزشی و رفاهی این دانشگاه از جمله در اعتراض به افزایش شهریه، افزایش قیمت خدمات رفاهی و برچیده شدن سرویس های ایاب و ذهاب، روز دوازده مهر و به مدت چند روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع زدند.

دوشنبه ها در آلمان

اعتراضات ده ها هزار نفری زحمتکشان آلمان علیه رفرم ضد اجتماعی هارتر ۴، روز دوشنبه ۱۳ سپتامبر در شماری از شهر های این کشور از جمله برلین کماکان ادامه یافت. در نشست روز شنبه ۱۱ سپتامبر در شهر لایپزیگ که نمایندگان و برگزار کنندگان تظاهرات "دوشنبه ها" در شهرهای گوناگون شرکت داشتند مجددا بر سر زمان تظاهرات بزرگ و متمرکز در برلین بحث شد. در پایان اجرای این مراسم در روز ۲ اکتبر، مورد موافقت همگی قرار گرفت. دولت ائتلافی سوسیال دمکرات- سبزهای آلمان با نیروهای ویژه خود را برای مقابله با حملات احتمالی مردم خشمگین به مؤسسات دولتی از جمله اداره کار در ماه ژانویه ۲۰۰۵ آماده می کند. از اول ژانویه قانون ارتجاعی و ضد کارگری هارتر ۴ اجرا می شود و میزان واقعی این دستبرد عظیم دولت سرمایه به دستاورد های زحمتکشان برای بخش های بیشتری از مردم آلمان بر ملا می شود. راهزنی سرمایه و دولتشان در این سطح از ۱۹۴۹ بعد در آلمان بی سابقه است. لاید حزب سوسیال دمکرات آلمان می خواهد این "افتخار" را نیز همانند تصویب بودجه برای جنگ جهانی اول نصیب خود کرده در تاریخ ثبت کند.

رهبران اتحادیه ها هنوز هم از پشتیبانی این جنبش طفره می روند و ترجیح می دهند به ممانشات با حزب حاکمشان ادامه دهند. آقای زمر (رهبر دگ ب) و زیرسکه (رهبر اتحادیه خدمات) در تظاهرات ضد جنگ سخنرانی می کردند. نه بخاطر مخالفت با سیاست های جهانی سرمایه بلکه به دفاع از سرمایه خودی بر ضد رقیبش. حال که این سرمایه جنگی تمام عیار را علیه زحمتکشان در داخل پیش می برد جز عوام فریبی و وظیفه دیگری ندارد. تاریخ حزب سوسیال دمکرات و اتحادیه دگ ب (خانه کارگر آلمان!) با تلاش برای سرمایه خودی و خاک پاشیدن به چشم زحمتکشان نداعی می شود.

دوشنبه ۲۰ سپتامبر در برلین برای ششمین بار متوالی بیش از ۷ هزار نفر بر ضد این برنامه ارتجاعی دولت ائتلافی سوسیال دمکرات-سبزهای آلمان در این روز دست به راهپیمایی زدند. در صد متری پایانه تظاهرات در حالیکه بخش آغازین راهپیمایان (متمایل به جریان ATTAC) به محل دروازه براندنبورگ (نزدیک پارلمان آلمان) رسیده بود و سخنرانی های پایانی شروع شده بود نیروهای پلیس خودروی حامل بلندگوی دوم را به زور بسمت مخالف پایانه مراسم (میدان پستام) هدایت کردند. این عمل توطئه گرایانه پلیس با مخالفت بخشی از تظاهرکنندگان (عمدتا چپ) مواجه شد. در این مدت از بلندگوی اول گاه گذاری به نیروهای سرکوبگر پلیس نصیحت می شد که خود را دور نگهدارند! بعد از مدتی تشنج و ضرب و شتم افراد بوسیله پلیس بلند گوی دوم مجددا بدست تظاهرکنندگان افتاد. سپس این بخش از تظاهرکنندگان که تعدادشان بیش از بخش آغازین بود بسمت پایانه مراسم حرکت کرد و در پای کامیون حامل بلندگوی اول و رو به افراد روی کامیون شعار میدادند: اشنعباگران. در این زمان پایان مراسم از بلندگوی اول اعلام شد! گرچه نیروهای چپ در این مراسم در یک بلوک پشت سر بلوک دیگر شرکت دارند ولی بعلت نداشتن پلاتفرم و تاکتیکیهای مشترک روشن و در این مرحله از جنبش عملی و بسیج کننده تا کنون نتوانستند متحدا بطور مؤثر در برابر جریان رفرمیست جنبش عرض اندام کنند.

در همین روز رهبر اتحادیه خدمات Ver.di آقای زیرسکه در تظاهرات شهر درسدن

دوشنبه ها در آلمان

سخنرانی کرد. او تظاهرات "دوشنبه ها" را یک جنبش مردمی و با اهمیت خوانده که شرکت در آن درست است! ایشان غیر از این تعارفات کلی توضیح ندادند پس چرا مرکزیت اتحادیه های آلمان از جمله Ver.di و بخصوص DGB این جنبش را مورد پشتیبانی قرار نمی دهند. البته توضیح این نکته ضروریست که فعالین اتحادیه های محلی زیر مجموعه و عمدتاً بصورت فردی در این مراسم و سازماندهی آن شرکت دارند.

دوشنبه ۲۷ سپتامبر در برلین این بار مجدداً دو راهپیمایی برگزار شد. یورش روز دوشنبه ۲۰ سپتامبر نیروهای پلیس به بخشی از راهپیمایان (عمدتاً چپ) و نظاره کردن گردانندگان بخش دیگر (ATTAC) فعالین اتحادیه ای بخصوص Ver.di) به ویژه رفتار هژمونی طلبانه جریان دوم نسبت به اولی ها دوباره دودستگی را بر راهپیمایان برلین تحمیل کرد.

مراسم راهپیمایی گروه اول همانند گذشته از میدان الکساندر شروع شده در جلوی دفتر مرکزی حزب حاکم سوسیال دمکرات آلمان پایان یافت. مراسم دوم همانند هفته پیش از روبروی شهرداری مرکزی شروع شده در محل دروازه براندنبورگ پایان یافت. مسیر اول طولانی تر بوده از میان مناطق مسکونی می گذرد حال آنکه مسیر دوم این طور نیست. گروه اول روز یکشنبه ۳ اکتبر را برای برگزاری مراسم راهپیمایی سراسری در برلین اعلام کرد در حالیکه گروه دوم روز ۲ اکتبر را برگزید. این دودستگی و خاصیت همراه کننده اعلام برگزاری مراسم در دو روز متوالی می تواند باعث دولتی شرکت کنندگان شده تعداد آنها در این مراسم را کاهش دهد که در آن صورت به نفع مترجمین حاکم تمام خواهد شد. البته هم اکنون نیز تعداد شرکت کنندگان نسبت به گذشته بطور چشمگیری کاهش یافت. علت این پدیده را می توان چنین خلاصه کرد: هنوز به تدریج نگرش درمورد وضعیت اقتصادی و رفاهی اکثریت مردم در مقایسه با دیگر کشورها - شرکت بسیار اندک شاغلین - حمایت نکردن مرکزیت اتحادیه ها بطور سراسری - ناآگاهی بخش اعظم بیکاران و مهاجرین از سرنوشتی که از ژانویه ۲۰۰۵ زمان اجرای برنامه هارتز ۴ (گرچه در بعضی از مناطق از اکتبر ۲۰۰۴ بطور آزمایشی شروع خواهد شد) در انتظار آنهاست - مسئولی شدن روحیه یأس، انفرادگرایی و روزمره گی بر بخش عظیمی از بیکاران و فرودستان که پدیده ایست متداول در جوامع سرمایه داری - تبلیغات و انتشار اطلاعات نادرست از طرف رسانه های بورژوازی بر ضد این جنبش - نبود تئوریک درست و بی تناقض از بحران موجود - نبود یک پلاتفرم مشترک و تاکتیکی مناسب با سطح اعتدالی جنبش در میان نیروهای چپ و کمونیست که بتوانند به عنوان هسته رادیکال جنبش نقش بازی کنند - بکار نرفتن راهکارهای عملی و مؤثر از طرف این نیروها برای دسترسی به پایه اجتماعی به عنوان یک تکلیف دائمی - ...

همزمان تدارکاتی برای فوروم اجتماعی اروپا (ESF) که از ۱۴ تا ۱۷ اکتبر در لندن برگزار می شود در جریان است. لازم به تذکر است که پیشبرد برنامه خانمان برانداز نولیبرال با شدت تمام در تمامی جهان سرمایه داری از جمله اروپا در جریان است. تلاش و تبادل نظر برای تدقیق تئوریهای موجود برای رسیدن به یک پلاتفرم مشترک و تاکتیکی مؤثر بر ضد این دستبرد عظیم سرمایه به دستاوردها و هستی زحمتکشان، زنان، جوانان و حتی کودکان در سطح منطقه ای، قاره ای و جهانی همراه با انجام تکلیف خانگی (در سطح "ملی") کاریست منطقی و ضروری.

حمله به خانه های مردم و تجاوز به زنان به امری روز مراه تبدیل شده است. طبق آمار ارائه شده از سوی موسسه کمک رسانی وخیره هلندی که از یک سال گذشته در عراق فعال است، تنها طی ۴ ماه، ۵۵۳ مورد تجاوز سربازان خارجی به زنان عراقی گزارش شده است.

تحت چنین فضائی و با فعال شدن دستجات مذهبی اسلامی فشار و حمله مذهبیون به زنان افزایش یافته است. پاشیدن اسید بر سر و روی زنان در خیابان ها و تحقیر و آزار آنها در محیط کار به بهانه "بججایی" عرصه را بر زنان تنگ کرده است. اواخر بهار سال جاری در دانشگاه بصره، دستجات ارادل و اوپاش مسلمان با حمله به کلاس های درس، به ضرب و شتم دانشجویان

در صفحه ۷

با گذشت بیش از یک سال از حمله نظامی به عراق و ادامه درگیری های داخلی در این کشور، وضعیت زنان روز به روز وخیم تر می شود. سازمانهای زنان در داخل و خارج عراق با انعکاس آنچه که به زنان عراقی می رود، شرایط وخیمی را که در آن به سر می برند، به نمایش گذارده اند. شبکه خبری زنان با انتشار یک سلسله گزارشات درمورد زندگی روز مراه زنان عراقی وخامت اوضاع را ترسیم کرده و نسبت به تشدید آن ابراز نگرانی کرده است.

برطبق گزارشات، طی یک سالی که از برکناری صدام می گذرد، حکومت نظامی اعلام نشده ای که در عراق برقرار است، فضا وجود نا امنی را برای زنان به وجود آورده است. خشونت علیه زنان افزایش یافته است. درگیری های نظامی،

از صفحه ۳

نگاهی به وضعیت اورگوئه در آستانه انتخابات آینده

مواد قانون اساسی را تغییر داد، اما به طور کلی می توان در چارچوب کنونی هم کار کرد. آن چه بر هر چیز دیگری مقدم است دوباره فعال کردن اقتصاد و مبارزه با بیکاری است که به مرز ۲۰٪ می رسد.» البته خانم لیه کاروسو د بالی، که به پیروزی FA - EP بسیار امیدوار است و از آن حمایت می کند، نمی گوید با کدام برنامه، اقتصاد سرمایه داری در بحران اورگوئه فعال می شود در حالی که رهبران FA - EP پیش از پیروزی به دیدار مسئولان عالی رتبه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رفته اند و هر گونه ضمانتی را برای حفظ نظم کنونی به آنان داده اند.

آقای تباروه واسکز از FA - EP می تواند از انتخابات ۳۱ اکتبر ۲۰۰۴ اورگوئه پیروزمند بیرون آید و دو رقیب جناح راست بورژوازی را شکست دهد. «چپ» می تواند برای اولین بار در اورگوئه به قدرت برسد، اما این چپ از نوع ریکاردو لاگوس در شیلی و «لولا» در برزیل خواهد بود که ما در همین نشریه نوشتیم که آنان نه چپ های واقعی که نمایندگان جناح چپ بورژوازی هستند و مانند تمام نمایندگان جناح چپ بورژوازی در سرمایه داری گنبدیده و بحران زده و بحران زما مستحیل شده اند.

اورگوئه مانند هر کشور سرمایه داری دیگری تغییر کرده است. در دهه های گذشته زنان و کودکان بیشتری فقیر شده اند، نظام آموزش و پرورش و سیستم بهداشتی این کشور تضعیف گردیده است. نابرابری های اجتماعی افزایش یافته اند و نیروهای سیاسی چپ و کمونیست این کشور هنوز نتوانسته اند از سرکوب های بیش از دو دهه دیکتاتوری نظامی فد راست کنند و بحران جهانی جنبش هم مزید بر علت شده است. البته جنبش ها و افرادی هستند که در راهی برای برون رفت اورگوئه از بحران های ژرف اقتصادی و اجتماعی کنونی قرار گرفته اند. آن ها در آغاز راه هستند، هر چند قرار است دولتی چپ برای نخستین بار در این کشور آمریکای لاتین بر رأس امور قرار گیرد.

منابع:

- شماره های مختلف هفته نامه Búsqueda و هفته نامه Brecha
- ۵۰ پرسش و ۵۰ پاسخ در باره بدهی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی - نوشته تومن و میه - انتشارات سیلیس - سال ۲۰۰۳
- تارنمای آمریکای لاتین در حرکت هفته نامه لوکوریه چاپ سوئیس
- ترازنامه جهان - انتشارات لوموند - سال ۲۰۰۴

توسعه است. اما وی گفته است که در دولتی به سرپرستی FA - EP شرکت نخواهد کرد هر چند «۱۰۱٪» از آن حمایت خواهد نمود! سپس چند تن از رهبران FA - EP سفرهایی به خارج کشور و از جمله واشینگتن کردند. آنان در پایتخت ایالات متحده آمریکا با بلندمرتبه ترین مسئولان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیدار کرده و به آنان اطمینان دادند که در صورت پیروزی «آسبی» به بازارها» نخواهند رساند. رهبران FA - EP به مسئولان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی گفتند که با توجه به عدم پذیرش اینگلیسیاس، وزیر اقتصاد استوری خواهد بود. مسئولان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از این پیشنهاد حمایت به عمل آوردند و گفتند که امیدوارند استوری بتواند چاره ای برای قروض خارجی که برابر با ۱۱۰٪ تولید ناخالص داخلی است بیاندیشد! استوری که رهبران FA - EP را در سفرهای مذکور همراهی می کرد به محض بازگشت به اورگوئه گفت: «اینگلیسیاس استاد من است. او را از ۴۵ سال پیش می شناسم. در ۱۹ سالگی شاگرد من بودم و از آن هنگام روابط دوستانه و محکمی بین ما برقرار است.» در زمینه سیاسی هم به نظر نمی رسد که به قدرت رسین FA - EP تغییراتی را حتا در رابطه با مجازات کودتاگران و مسئولان سرکوب های ۲۲ سال حکومت نظامی که به قتل صدها کمونیست و ترقی خواه و حبس دست کم ۹ هزار تن انجامید ایجاد کند.

هنگامی که نظامیان از حکومت کناره گیری کردند، غیرنظامیان قانونی را به تصویب رساندند که نامش را «مشمول زمان قرار گرفتن تئیبها دولتی» گذاردند. بر اساس این قانون از هرگونه تعقیب نظامیان و نیروهای پلیس برای اقدامات انجام شده بین ۲۷ ژوئن ۱۹۷۳ تا ۱ مارس ۱۹۸۵ - دقیقاً دوران حکومت نظامی با احتساب روزهای آغاز و پایان! - جلوگیری خواهد شد.

خانم لیه کاروسو د بالی که همسرش به عنوان یک فعال اتحادیه ای از قربانیان حکومت نظامیان است و خود هماهنگ کننده کمیسیون خانواده های مقتولان دیکتاتوری است در مصاحبه ای که روز ۲ اکتبر گذشته با نشریه لوکوریه انجام داده می گوید که در درون FA - EP دو گرایش در برخورد با این مسئله وجود دارد. عده ای خواهان لغو قانون «مشمول مرور زمان قرار گرفتن تئیبها دولتی» هستند و عده ای می گویند که باید بدون لغو آن از «حواشی قانونی موجود» استفاده کرد. وی همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا به قدرت رسین FA - EP به معنای اقداماتی از نوع آن چه در ونزولا صورت گرفته خواهد بود یا نه می گوید: «نه. احتمالاً باید برخی از

بازی با مرگ

کارگران اعتصابی توسط جوخه های مرگ آغاز شد. اما برغم وخیم شدن روز به روز افزون وضعیت مادی کارگران، گرسنگی خانواده های اعتصابیون و تهدید و ارعاب آدمکشان جوخه های مرگ، خلی در عزم و اراده آنان وارد نشد و پس از ۳۶ روز مقاومت و مبارزه و درگیری و زدوخورد با ماموران ارتش و پلیس، سرانجام دولت و ادار به عقب نشینی شد و پیروزی بزرگ و تاریخی نصیب توده های کارگر و زحمتکش این کشور شد.

در کنار مبارزات قهرمانانه نفتگران کلمبیا، مقاومت کارگران دیگر بخشهای صنعتی نیز لحظه ای در مقابل ماشین سرکوب متوقف نشده است. یکی از بارزترین نمونه ها، مبارزات کارگران در کارخانجات کوکاکولا است. در اوائل سالهای ۹۰ میلادی قرن گذشته، سنگ بنای اولین کارخانه کوکاکولا با شعار "تولید بدون اتحادیه های کارگری" گذاشته شد. پایه گذاری این کارخانه تجسم مدل آمریکائی اقتصاد خوانده شد که به مثابه پیشقراول نئولیبرالیسم اقتصادی دخالت کارگران در تولید را امری متعلق به گذشته دانسته و آشکارا راه مبارزه علیه جنیش کارگران و اتحادیه های کارگری را در پیش گرفت. در آغاز بیش از ۹۵٪ کارگران این کارخانه عضو اتحادیه های کارگری نبودند و به همین ترتیب ۹۶٪ نیروی کار به صورت دائم در استخدام این کارخانه بود. اما تنها پس از ۳ سال مقاومت و مبارزه همه جانبه پیشاهنگان کارگری، تعداد اعضا اتحادیه ها در این کارخانجات افزایش یافت. عکس العمل صاحبان کوکاکولا در برابر موج پیوستن کارگران به اتحادیه های کارگری، استخدام کارگران موقت بود تا جایی که اکنون تنها ۴٪ کارگران در استخدام دائم این کارخانه هستند. اما مبارزه کوکاکولا علیه سازمانیابی کارگران تنها به استخدام موقت کارگران محدود نشد. تهدید، آزار و اخراج فعالین کارگری از دیگر اقدامات مدیریت این کارخانجات بود. نتیجه تمام این اقدامات، ترور ۹ تن از رهبران کارگران توسط جوخه های مرگ، اخراج و تبعید ۴۵ نفر از فعالین کارگری و اخراج ۱۰۰ نفر از کارگرانی بود که در اعتصابات این کارخانجات شرکت کرده بودند. اما اقدامات ضد کارگری سرمایه داران به اینجا هم ختم نشد. در اوائل بهار امسال، مدیریت کارخانجات کوکاکولا طی یک اقدام بی سابقه، دست به همکاری مستقیم با نیروهای امنیتی و گردانندگان جوخه های مرگ زد تا بتواند به اهداف ضد انسانی خود تحقق بخشد. در نخستین اقدام مشترک با یاری آدمکشان جوخه های مرگ، بیش از ۶۳ نفر از رهبران اعتراضات کارگران دستگیر، اخراج و به همراه خانواده های خود وادار به کوچ اجباری به مناطق جنوبی این کشور شدند. تمام این اقدامات کوکاکولا که هدفی جز نابودی اتحادیه های کارگری ندارد، با حمایت کامل مقامات دولت انجام گرفته است. آخرین اقدامات این شرکت برای نابودی اتحادیه های کارگران، تعطیلی کارخانجات و اخراج هزاران کارگر است. این اقدام ضد انسانی، تعطیل ۱۲ کارخانه و اخراج و بیکاری صد ها کارگر را به دنبال داشته است، البته مدیریت این کارخانه هیچ ابائی نداشته که

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

اشاره می کند و خاطر نشان می سازد که نه سرکوب معلمان و نه تلاش برای ایجاد شکاف و تفرقه، هیچیک خلی در مبارزه معلمان ایجاد نخواهد کرد.

روز ۱۹ مهر، خبر تجمع ۷۰۰ پرستار به نمایندگی از سوی ۱۲۰ هزار پرستار در سراسر ایران در اطلاعیه ای تحت عنوان "تحصن و تجمع اعتراضی پرستاران" منتشر شد. در این اطلاعیه به مبارزات پرستاران طی سال های اخیر در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کاری خود اشاره شده است و آمده است: "... پرستاران، خواهان افزایش حقوق و مزایای خود، کاهش ساعات کار، اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان در خصوص پرستاران، اجرای طرح ارتقاء شغلی، استخدام پرستاران جدید، به نحوی که پاسخگوی نیازهای درمانی و بهداشتی موجود باشد و از فشار کار بر پرستاران بکاهد، اختصاص امکانات ویژه بهداشتی و مصونیتی پرستاری، مخالفت با خصوصی سازی بیمارستان ها و غیره هستند. حقوق ماهانه پرستاران به قدری ناچیز است که به گفته آنها، اختلاف حقوق یک پرستار و پزشک گاه به دهها برابر می رسد. در حالی که ۲۵ هزار پرستار در نتیجه سیاست های ارتجاعی دولت بیکارند، پرستاران شاغل را واداشته اند که دو یا سه شیفته کار کنند."

در خاتمه سازمان ضمن حمایت از مطالبات پرستاران، تنها راه تحقق این مطالبات را تشدید مبارزه و اعتراض پرستاران می داند.

اعتراض به فقدان امکانات اولیه مالی برای گذران زندگی خود و فرزندانشان تجمع کرده بودند با سرکوب سربازان و نظامیان نیروهای امپریالیستی روبرو شدند.

در اعتراض به مجموعه این شرایط، شماری از سازمانهای زنان عراقی با تدوین بیانیه ای مشترک، خواهان خروج فوری نیروهای اشغال گر شده اند. آنها بر رعایت حقوق اولیه زنان تاکید کرده اند و تنها راه تضمین آن را در جدائی دین از دولت اعلام کرده اند. در حمایت از این اقدام جمعی، چندین گروه زنان در اسرائیل و فلسطین نیز حمایت خود را از خواستهای زنان عراقی ابراز داشته و خواستار خروج هرچه سریع تر نیروهای اشغال گر از عراق شده اند.

خود علیه سرمایه داران بوده است. کمکهای مادی و معنوی صد ها اتحادیه کارگری در آمریکا و اروپا نقش مهمی در استمرار مبارزات کارگران کلمبیا داشته است.

بورژوازی کلمبیا را هم، حتی با مرگ بارترین کشور جهان برای فعالین کارگری، گریزی از سرنوشت محتوم خود نیست. جنایتکارترین رژیم های حافظ سرمایه هم نمی توانند سکوت گورستانی خود را به مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان تحمیل کنند. این مبارزه تعطیل بردار نیست و به حکم تاریخ تا پیروزی کامل کارگران و بنای نظم سوسیالیستی ادامه دارد.

در تاریخ ۷ مهر ماه سال جاری سازمان اطلاعاتی ای تحت عنوان "تظاهرات دربندعباس و نورآباد ممسنی" منتشر کرد. در این اطلاعیه خبر حمله نیروی دریائی جمهوری اسلامی به یک قایق موتوری صیادان بندرعباس که به مرگ سه سرنشین آن منجر شد، اعلام شده است.

در این اعلامیه آمده است که متعاقب این حمله وحشیانه، روز ۶ مهرماه، هزاران تن از مردم بندرعباس در اعتراض به این اقدام سرکوبگرانه، در مقابل ساختمان استانداری دست به تظاهرات علیه رژیم زدند. در این اعلامیه، همچنین به تجمع اعتراضی مردم نورآباد ممسنی در اعتراض به تعطیلی صندوق قرض الحسنه، که به تظاهرات، به آتش کشیدن بانک ها و ماشین های دولتی انجامید و بدین طریق خشم و نفرت خود را ابراز داشتند، اشاره شده است.

سازمان با محکوم نمودن این اقدامات سرکوبگرانه، توده های مردم را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی فراخوانده است.

"تجمعات اعتراضی معلمان در سراسر کشور" عنوان اعلامیه سازمان در ۱۴ مهرماه است که در آن به اعتصاب معلمان دروز جهانی معلم پرداخته شده است.

در این اعلامیه آمده است: "... چندین سال مداوم است که معلمان زحمتکش با برپائی اعتصاب، گردهم آئی ها و راهپیمائی ها و تظاهرات، خواهان تحقق یک رشته مطالبات صنفی و سیاسی خود شده اند." در ادامه، اعلامیه به تلاش رژیم برای ایجاد شکاف بین معلمان

از صفحه ۶

وضعیت زنان عراقی . . .

بی حجاب پرداختند. همین منبع، از رواج و افزایش "قتل های ناموسی" گزارشی داده که افراد مذکر خانواده، دختران و زنان خانواده را به دلایل "ناموسی" مورد ضرب و شتم قرار می دهند و در بسیاری از موارد حتا به قتل می رسانند.

با تشدید بحران اقتصادی و افزایش بیکاری، شمار بیکاران در بین زنان بیداد می کند. زنان خانه دار روزانه ساعت ها در صف ارزاق عمومی منتظر دریافت مایحتاج زندگی خود و فرزندانشان هستند. در اوائل تابستان سال جاری که صدها زن بیوه همراه، با فرزندانشان در مقابل شهرداری سلیمانیه در

اعلام کند در صورت عدم دخالت و حضور فعالین کارگری، این کارخانجات مجددا شروع به کار خواهند کرد. همکاری مستقیم مدیریت کوکاکولا با جوخه های مرگ بر همگان آشکار شده و همزمان با تشدید اقدامات جنایتکارانه علیه کارگران و اعضا خانواده آنها، موج همبستگی و وحدت کارگران جهان با کارگران کلمبیا افزایش یافته است. این تنها جنایتکاران نیستند که بر فراز مرزهای جغرافیائی دست به وحدت می زنند تا متحداً علیه جنیش کارگران عمل کنند. جنیش کارگری در کشورهای مختلف جهان بزرگترین تکیه گاه جنیش طبقه کارگر کلمبیا در مبارات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 439 oktober 2004

هشتاد و هفتمین سالگرد

انقلاب سوسیالیستی اکتبر گرامی باد!

بازی با مرگ

کنند، اکنون از آن نیز خبری نیست. تمام اقدامات غیر قانونی دولت رنگ قانونی گرفته و دیگر هیچ امکانی برای دفاع از جان دستگیرشدگان مظنون به فعالیت سیاسی باقی نمانده است.

اما این لشکر سیاه سرکوب و کشتار به رغم اینکه به مرگبارترین سلاح ها مجهز است، نتوانسته است جنبش انقلابی کارگران، معلمان و زنان کلمبیا را مهار کند. مبارزه و مقاومت ادامه دارد.

از میان مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر کلمبیا به ویژه می توان به مبارزات نفتگران این کشور اشاره نمود که نقش برجسته ای در پیشبرد این مبارزه داشته اند. واگذاری بخش وسیعی از عملیات انکشاف، بهره برداری و تصفیه نفت به شرکتهای چند ملیتی در اواخر سالهای دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی، سودهای هنگفتی را به جیب صاحبان این شرکتها سرازیر کرد. کاهش چشمگیر درآمد دولت از این صنایع، فشار مالیاتها بر دوش کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش افزایش داد. این شرایط اوج گیری مبارزات نفتگران کلمبیا برای به عقب راندن فشارهای دولت و بهبود شرایط کار و زندگی خود را به همراه داشت. آخرین نمونه این مبارزات، اعتصاب پیروزمند نفتگران در روزهای آغازین بهار امسال بود. با اعلام خیر تصمیم دولت مبنی بر تسریع و گسترش بیش از پیش خصوصی سازی صنایع نفت در اواخر ماه مارس، که با فشار موسسات مالی امپریالیستی و صندوق بین المللی پول و به بهانه زیان دمی این صنایع انجام می گرفت، نفتگران کلمبیا از نخستین گردانهای کارگری بودند که راه مبارزه مستقیم علیه طرحهای اقتصادی دولت را در پیش گرفتند. مدیران شرکت دولتی نفت در نخستین گام دست به اخراج بخشی از کارگران زدند. هدف اصلی این اخراجها، فعالین کارگری بود تا به این وسیله از اوج گیری مبارزات کارگران در مقابل سیاستهای دولت جلوگیری شود. این اخراج سازی ها، مقاومت همه جانبه کارگران را در پی داشت. این مقاومت در شکل اعتصاب سراسری نامحدود و با خواست توقف اخراجها، بازگشت اخراجیها به کارهای خود، توقف فوری خصوصی سازی ها و برسمیت شناختن حق تشکل کارگران آغاز شد. با آغاز این اعتصاب بیش از ۷۰٪ کارگران دست از کار کشیدند. مدیریت شرکت دولتی نفت ابتدا تلاش نمود با پرداخت پاداش و افزایش موقت دستمزدها اعتصاب کارگران را به شکست بکشاند. روی دیگر این سیاست نان قندی، سیاست چماق بود که با تهدید و آزار خانواده

کارگری در اروپا و آمریکا را به دنبال داشت. این اما نه اولین و نه آخرین جنایتی بود که به دست جوخه های مرگ انجام می شد.

پیشبرد این سیاست جنایتکارانه توسط هزاران مزدوری انجام میگردد که در جوخه های مرگ سازماندهی شده و وظیفه سرکوب جنبش اعتراضی کارگران و دیگر اقشار زحمتکش را به عهده دارند. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا راسا طراحی سیاستهای سرکوبگرانه علیه جنبش انقلابی در این کشور را به عهده گرفت. طرح الحاق کلمبیا به منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی و قلع و قمع مخالفین این کشور، "طرح کلمبیا" نام گرفت و در پوشش آن صد ها مستشار آمریکائی وظیفه آموزش نیروهای امنیتی و سرکوب را به عهده گرفتند. نتیجه این جنگ تمام عیار، اما اعلام نشده علیه کارگران و زحمتکشان کلمبیا، تنها در سال گذشته قتل بیش از ۳۰ هزار نفر بود. از این عده تنها ۷٪، یعنی حدود ۲۰۰۰ نفر، در درگیری مستقیم با نیروهای امنیتی به قتل رسیدند و بقیه توسط جوخه های مرگ و در کوچه و خیابان هدف گلوله قرار گرفتند. هزینه نگهداری این ماشین سرکوب راهم امپریالیسم آمریکا به عهده دارد که با پرداخت مبلغی بالغ بر ۳ میلیون دلار در روز، استمرار این سیاست جنایتکارانه را تضمین کرده است.

اما گویی وجود صد ها گروه شبه نظامی و تروریستی برای شکار و قتل مبارزین کافی نیست که باید تیغ ماشین سرکوب دولتی هم هر روز از روز پیش تیزتر گردد. در همین راستا در اوایل تابستان و با فشار مستقیم امپریالیسم آمریکا قانون "امنیت دموکراتیک" به تصویب مجلس این کشور رسید. این هم طغز تاریخ است که هر چه سیاست سرکوب و کشتار مخالفین با جدیت بیشتر به اجرا درآید، به همان میزان هم قوانین توجیه گر این جنایات به الفاظ "دمکراتیک" مزین می شود. این قانون، که کمی برداری مستقیم از قانون "امنیت ملی" آمریکا است که در روزهای پس از واقعه ۱۱ سپتامبر به تصویب رسید، سیاستهای سرکوبگرانه پلیس و ارتش را لباسی قانونی پوشانده و اعمال فشار به مخالفین سیاسی به بهانه "مبارزه با تروریسم" توجیه قانونی به خود گرفته است. اکنون اگر فردی مظنون به "تروریسم" باشد، مأموران پلیس و ارتش حق دارند این فرد را دستگیر و مدتی نامحدود در بازداشت نگهدارند. هیچ صحبتی هم از محاکمه در مراجع قضائی رسمی وجود نخواهد داشت. اگر در گذشته فعالین سیاسی با توسل به قوانین سر و دم بریده می توانستند در مقابل اعمال غیر قانونی سرکوبگران مقاومت

در صفحه ۷

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی